

نقش مراکز دینی در پیشگیری از برخی جرائم در افغانستان

حبیب‌الله انصاری^۱ | محمد رحیم اصغری^۲

چکیده

هنجارشکنی و ارتکاب جرم از چالش‌های همیشگی جوامع انسانی بوده که امنیت فردی و اجتماعی را تهدید می‌کند. حکومت‌ها در طول تاریخ برای مقابله با این تهدید، غالباً به مجازات مجرمان متوسل شده‌اند؛ اما پیشگیری از جرم نسبت به کیفر، کم‌زینتر است و با جلوگیری از تحقق جرم، زمینه ارتکاب آن را مسدود می‌سازد. در اندیشه حقوقی اسلام نیز پیشگیری از جرم جایگاه ویژه‌ای دارد و این امر می‌تواند از طریق نهادهای دینی به‌طور مؤثر اجرا گردد. در جامعه افغانستان، با توجه به پابندی گسترده مردم به آموزه‌های دینی و نفوذ عمیق نهادهای دینی در فرهنگ عمومی، این پرسش اصلی مطرح می‌شود که نهادهای دینی تا چه اندازه در پیشگیری از وقوع جرم می‌توانند در جامعه افغانستان نقش داشته باشند؟ هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه و ظرفیت نهادهای دینی در پیشگیری از جرائم و تبیین نقش آنان در کاهش تهدیدات اجتماعی است. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی بوده و از منابع قرآنی، روایی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی بهره گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نهادهای دینی اعم از آموزشی، عبادی و فرهنگی، در پیشگیری اجتماعی، فردی و وضعی نقش بنیادین دارد و می‌تواند از طریق ترویج فرهنگ اسلامی، تقویت پابندی به عبادات و ارتقای آگاهی‌های دینی، از ارتکاب جرائم بالقوه و بالفعل در حوزه‌های جنسی، خانوادگی، مالی و برخی جرائم دیگر جلوگیری کنند. افزون بر این، تأثیر نهادهای دینی هم در پیشگیری اولیه از وقوع جرم چشمگیر است و هم در جلوگیری از تکرار و تعدد جرائم نقش اساسی دارند.

کلیدواژه‌ها: مراکز دینی، ارتقای آگاهی دینی، پیشگیری از جرم، جرائم جنسی، جرائم مالی، جرائم خانوادگی، جامعه افغانستان

۱. ماستری حقوق جرا و جرم‌شناسی، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)

۲. ماستری حقوق جرا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

مقدمه

پیشگیری از جرم از جمله موضوعاتی است که در عرصه‌های حقوقی و اجتماعی اهمیت فراوان دارد؛ زیرا این راهکار هزینه‌های کمتری را نسبت به کیفر و مجازات در بردارد و پیش از آنکه ضرری متوجه جامعه یا افراد گردد و پیش از آنکه شخصی در مسیر ارتکاب جرم قرار گیرد، می‌تواند سدّی مؤثر در برابر وقوع بزهکاری ایجاد نماید. در افغانستان، به دلیل بافت دینی و اجتماعی خاص، پیشگیری از جرم از طریق نهادهای دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نهادها با مأموریت نشر آموزه‌های اسلام و گسترش فرهنگ دینی، قادرند نقش بنیادینی در کاهش جرائم ایفا کنند؛ زیرا در مبانی حقوقی و تعالیم اسلامی، پیشگیری از جرم به رسمیت شناخته شده و به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی تأمین امنیت و سلامت جامعه مورد تأکید فراوان است.

از سوی دیگر، مردم افغانستان باوری عمیق به آموزه‌های دینی دارند و رفتار فردی و اجتماعی آنان به شدت متأثر از تعالیم اسلام است. این وابستگی فرهنگی و اعتقادی سبب شده که نهادهای دینی همچون مساجد، مدارس دینی، مراکز فرهنگی و مراکز عبادی از نفوذ و جایگاهی خاص در میان جامعه برخوردار باشند. در چنین بستری، طرح این پرسش ضروری است که نهادهای دینی تا چه حد می‌توانند در کاهش جرائم و پیشگیری از انحرافات اجتماعی در افغانستان مؤثر واقع شوند.

با وجود اهمیت این موضوع، تاکنون پژوهش مستقلی که به بررسی جامع نقش نهادهای دینی در پیشگیری از جرم در افغانستان پرداخته باشد، انجام نشده است. از همین رو، تحقیق حاضر واجد جنبه نوآوری است و می‌تواند سهمی علمی در این عرصه ایفا کند. بهره‌گیری از منابع دینی، از جمله آیات قرآن، روایات معصومین و دیدگاه‌های علمای اسلامی، نشان می‌دهد که نهادهای دینی نه تنها در جلوگیری از بروز جرم نقش دارند، بلکه در جلوگیری از تکرار و تعدد آن نیز مؤثرند. به بیان دیگر، این نهادها می‌توانند هم در مرحله پیشگیری اولیه و هم در مراحل بعدی کنترل جرم، نقش محوری داشته باشند. بنابراین، بررسی و تحلیل کارکرد نهادهای دینی در افغانستان، به‌ویژه در حوزه پیشگیری از جرم، ضرورتی دوچندان دارد و می‌تواند به ترسیم چشم‌اندازی روشن برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و حقوقی کشور کمک نماید.



۱. مفاهیم

۱-۱. مراکز دینی

یکی از اصطلاحاتی که پرداختن به آن در این پژوهش ضرورت دارد، واژه «مراکز دینی» است. مقصود از «مراکز دینی» در این پژوهش، مساجد، تکایا و سازمان‌های مردمی است. در تعریفی آمده است: «اصطلاح سازمان مردم، در کلی‌ترین معنای خود، به سازمانی اشاره دارد که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود؛ اما نقش مهمی به‌عنوان واسطه میان آحاد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند» (درخشه، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

درباره نهادهای مذهبی نیز گفته‌اند: «نهادهای مذهبی، نهادهایی هستند که در شکل‌گیری هویت و سمت‌وسوی فکری جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ همچون نهاد روحانیت، مساجد، حسینیه‌ها و هیئت‌های تعزیه» (درخشه، ۱۳۸۹: ۱۳۸). اگرچه در این تعریف به‌طور مستقیم از نهادهای دینی نام برده نشده است؛ اما با توجه به اینکه «مذهب» جزئی از «دین» محسوب می‌شود و در عرصه اجتماعی نیز دین در قالب مذهب تحقق می‌یابد، می‌توان گفت مفهوم نهادهای دینی نیز از این تعریف قابل استنباط است. به بیان دیگر، هر کلی در وجود خارجی خود در ضمن افراد تحقق می‌یابد. بنابراین نهادهای مذهبی به‌منزله مصادیق بارز، بیانگر جایگاه نهادهای دینی در جامعه‌اند.

۱-۲. پیشگیری

پیشگیری معانی متعددی دارد؛ از جمله «پیش‌دستی کردن»، «پیش‌گرفتن» و «به‌استقبال چیزی رفتن» (علی اکبر دهخدا، ۱۳۲۷). این واژه مترادف با «جلوگیری» دانسته شده و به معنای «پیش‌گیرنده؛ کسی که جلو فردی را بگیرد یا مانع از انجام کاری یا رخدادی شود» به‌کار رفته است. در اصطلاح جرم‌شناسی، «پیشگیری از جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ اقداماتی برای رفع یا کاهش آن» (میلانی و علی‌محمدی، ۱۳۹۵: ۵۱). گروهی دیگر از جرم‌شناسان بیان داشته‌اند: «پیشگیری در اصطلاح جرم‌شناسی به معنای جلوگیری از بزهکاری از طریق شیوه‌های گوناگونی است که



خارج از نظام کیفری به کار گرفته می‌شوند» (محمدی و بیژنی، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

واژه «پیشگیری» در ادبیات جرم‌شناسی به دو معنای موسع و مضیق استعمال می‌شود. در معنای موسع، هرگونه اقدام و فعالیتی که منجر به کاهش وقوع جرم گردد، ذیل مفهوم پیشگیری قرار می‌گیرد؛ اما در معنای مضیق، این واژه به اقداماتی محدود می‌شود که مستقیماً به حذف عوامل و فرصت‌های جرم می‌انجامند. از جمله از بین بردن ابزار و وسایل ارتکاب جرم، نابودی مکان‌های جرم‌زا و کاهش زمینه‌های ارتکاب بزه. این دسته اقدامات معمولاً از سوی دولت یا نهادهای اجتماعی به اجرا گذاشته می‌شوند و هدف آن‌ها کنترل و مدیریت بسترهای جرم‌زا در جامعه است.

۳-۱. جرم

جرم واژه «جرم» در لغت معانی گوناگونی دارد. از جمله به معنای «گناه نهادن و گناه کردن» (دهخدا، ۱۳۲۷) و نیز به معنای «گناه و بزه» (همان) به کار رفته است. همچنین این واژه به معنای «ذنب، تعدی، عصیان، جریمه و معصیت» ذکر شده است (معین، ۱۳۸۵). برخی دیگر نیز جرم را به معنای «گناه، تباهی و اشتباه» دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۲۷). بنابراین، در کاربرد لغوی، «جرم» همواره بار معنایی منفی و مرتبط با گناه و خطا داشته است.

در اصطلاح حقوقی، جرم مفهومی گسترده‌تر دارد و هم شامل فعل و هم شامل ترک فعل می‌شود؛ بدین معنا که هر رفتاری اعم از انجام دادن یا خودداری کردن، چنانچه قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد، جرم تلقی می‌گردد. بر اساس این تعریف، نخستین شرط تحقق جرم آن است که قانون‌گذار یک عمل یا ترک عمل را جرم‌انگاری نماید. از این رو، مفهوم جرم در کشورها متفاوت است؛ زیرا ممکن است عملی در یک کشور جرم محسوب شود، ولی در کشور دیگر چنین نباشد. چنانکه در قانون جزای افغانستان آمده است: «جرم ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدبیر تأمینی تعیین گردیده باشد» (کد جزا، ماده ۲۷).

برخی حقوق‌دانان نیز جرم را نه صرفاً یک مفهوم قانونی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی دانسته‌اند. به باور آنان، «جرم پدیده‌ای ضد اجتماعی است که موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه و کشور می‌شود» (حاذق، ۱۳۹۲: ۵). بنابراین جرم علاوه بر اینکه در



چارچوب قانون تعریف می‌شود، آثار اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای دارد که امنیت، آرامش و همبستگی اجتماعی را به چالش می‌کشد.

۲. جرم از نگاه فقه

با توجه به مباحث پیشین، ضروری است که مفهوم جرم از منظر اسلام و فقه نیز مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نظر فقها، جرم در اصطلاح فقهی معادل «گناه» دانسته می‌شود. در این رویکرد، جرم یا گناه به معنای مخالفت با دستورات، اوامر و نواهی خداوند متعال است که اقسام متعددی دارد و از جنبه‌های مختلف قابل تقسیم است. یکی از تقسیم‌بندی‌های بنیادین در فقه، تفکیک میان حقوق الله و حقوق الناس است. به بیان دیگر، جرائم یا گناهان گاه به حوزه حق خداوند مربوط می‌شوند و گاه به حقوق بندگان. از دیدگاه فقه شیعه، تجاوز به حقوق دیگران می‌تواند در سه قالب تحقق یابد:

۱. گاهی فرد دستورات یا نواهی عبادی را زیر پا می‌گذارد؛ مانند حرمت روزه گرفتن در روزهای عید فطر و قربان که سرپیچی از اوامر الهی محسوب می‌شود.
۲. گاهی عمل فرد به‌طور مستقیم بر حقوق دیگران اثر منفی می‌گذارد.
۳. و در مواردی نیز فعل مجرمانه هم‌زمان مخالفت با شریعت و تجاوز به حقوق دیگران را در پی دارد (جهانی و نوذری، ۱۴۰۰: ۵).

بنابراین، می‌توان گفت «جرم» در اصطلاح فقهی به هر عملی اطلاق می‌شود که یا متضمن مخالفت با دستورات و نواهی الهی باشد، یا به تجاوز به حقوق دیگران بینجامد و یا اینکه هر دو جنبه را در خود جمع کند. بدین ترتیب، جرم در فقه اسلامی نه تنها یک رفتار خلاف قانون، بلکه امری است که اساساً با مبانی شرع و ارزش‌های الهی در تعارض قرار دارد و آثار فردی و اجتماعی گسترده‌ای بر جای می‌گذارد.

۳. پیشینه تاریخی پیشگیری از جرم

یکی از مباحث مهمی که نیازمند بررسی است، پیشینه تاریخی پیشگیری از جرم است؛ زیرا باید روشن گردد که آیا این موضوع تنها از مسائل جدید و مستحدثه است یا ریشه در ادیان و جوامع پیشین نیز دارد.

۳-۱. در ادیان سماوی

هدف اصلی پیامبران الهی و ادیان آسمانی، هدایت انسان‌ها به راه راست و رهایی آنان از کج‌روی‌های فردی و اجتماعی بوده است. در حقیقت، دور ساختن انسان از انحراف و خطا در شمار نخستین وظایف پیامبران بوده است. بدین جهت، پیامبران به وحی الهی مجهز شدند تا مردم را از گمراهی و انحراف بازدارند و آنان را به سوی ارزش‌های الهی سوق دهند. بررسی تاریخ نشان می‌دهد که دعوت پیامبران و گرایش مردم به ادیان آسمانی نقش مهمی در کاهش جرم و جنایت داشته است. تجربه بشری نیز نشان می‌دهد که میزان بزهکاری و ارتکاب جرم در میان پیروان ادیان آسمانی به مراتب کمتر از کسانی بوده است که از این ادیان روی گردان بوده‌اند.

با این حال، دین مبین اسلام در مقایسه با سایر ادیان، برنامه‌ای جامع‌تر و دقیق‌تر برای پیشگیری از جرم ارائه کرده است. اسلام سعادت دنیوی و اخروی انسان را در گرو دوری از گناه و جنایت می‌داند و این هدف را نه صرفاً از طریق مجازات، بلکه از رهگذر پیشگیری محقق می‌سازد. آموزه‌های اسلامی بر این نکته تأکید دارند که ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها را باید پیش از وقوع جرم خشکاند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که پیشگیری از جرم نه پدیده‌ای نو و معاصر، بلکه موضوعی است که در تمام ادیان الهی مطرح بوده است. با این تفاوت که در اسلام این مسئله به صورت کامل‌تر و نظام‌مندتر مورد توجه قرار گرفته و در قالب برنامه‌های عبادی، اخلاقی و اجتماعی، نقش اساسی در کاهش بزهکاری ایفا کرده است.

۳-۲. در حقوق موضوعه

در اروپا، نخستین تلاش‌های رسمی در زمینه پیشگیری از جرم به سال ۱۹۵۶ بازمی‌گردد؛ در این سال کمیته‌ای ویژه تشکیل شد که وظیفه آن برنامه‌ریزی و بررسی راهکارهای مؤثر برای جلوگیری از ارتکاب جرم بود. در ادامه، سازمان ملل متحد نیز به این موضوع توجه ویژه‌ای نشان داد؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۵، کمیته‌ای ذیل این سازمان، موضوع پیشگیری از جرم را در دستور کار خود قرار داد و آن را همراه با کنگره پنج‌ساله «جلوگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمان» پیگیری نمود. با گذر زمان و افزایش توجه به پیامدهای



منفی جرائم، بسیاری از کشورهای جهان پیشگیری را به عنوان سیاستی کلیدی در کنار نظام کیفری پذیرفته‌اند. امروزه، پیشگیری از جرم نه تنها به عنوان یک رویکرد نظری، بلکه به مثابه یک برنامه عملی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و حقوقی کشورها جایگاه ویژه‌ای یافته است.

۴. مبانی پیشگیری از جرم

علما چند قاعده را به عنوان مبانی پیشگیری از جرم، از دیدگاه مباحث و منابع دینی، بر شمرده‌اند که بدان پرداخته می‌شود.

۴-۱. مقدمه حرام

یکی از مبانی مهم پیشگیری از جرم، بحث «مقدمه فعل حرام» است. منظور از مقدمه فعل حرام، هر عملی است که زمینه ارتکاب جرم یا گناه را فراهم ساخته و مانع پیشگیری از آن گردد. پرسش اساسی در این زمینه آن است که آیا مقدمه فعل حرام همانند خود فعل، از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود یا خیر؟ فقها و اندیشمندان اسلامی در این خصوص اختلاف نظر داشته‌اند. گروهی بر این باورند که مقدمه حرام، همانند خود فعل، حکم حرمت دارد و این قاعده را از باب «تجری» مسلم دانسته‌اند. به بیان دیگر، همان‌گونه که ارتکاب گناه موجب مسئولیت شرعی است، فراهم ساختن مقدمات آن نیز حرام خواهد بود. در مقابل، برخی دیگر از فقها اعتقاد دارند که مقدمه به تنهایی عنوان حرمت پیدا نمی‌کند، مگر آنکه به طور مستقیم به فعل حرام منجر گردد.

با وجود این اختلافات، می‌توان گفت دیدگاه مشهور میان فقهای اسلامی آن است که مقدمه فعل حرام نیز مشمول حکم حرمت است. بر این اساس، هر عملی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم زمینه‌ساز وقوع جرم گردد، از منظر شرعی و حقوقی جرم به شمار می‌آید و مسئولیت دارد. بنابراین، در چارچوب اندیشه اسلامی، توجه به مقدمه حرام یکی از مبانی مهم در پیشگیری از جرم است؛ زیرا با جلوگیری از شکل‌گیری مقدمات بزه، می‌توان از تحقق خود جرم نیز پیشگیری کرد.

۴-۲. قاعده دفع منکر

دومین مبنای مهم که می‌توان در پیشگیری از جرم به آن استناد کرد، قاعده دفع منکر است. از دیدگاه تمامی فرق اسلامی، دفع منکر واجب است و برخی فقها برای اثبات آن به ادله اربعه تمسک کرده‌اند. اگرچه در اسلام نهاد خاصی به‌طور مستقیم مسئولیت نهی از منکر نداشته است؛ اما تمام مسلمانان به این امر موظف‌اند. با این حال، در دوره‌های اخیر، نهادهایی برای اجرای این وظیفه شکل گرفته‌اند؛ مانند نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» یا نهادهای «ارشاد و دعوت». شاید عدم تعیین نهاد خاص توسط شارع مقدس، نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت این وظیفه عمومی باشد.

در منابع اسلامی شواهد بسیاری برای وجوب دفع منکر وجود دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند» (آل عمران: ۱۰۴) و نیز: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (توبه: ۷۱).

بر اساس این آموزه‌ها، قاعده دفع منکر یک وظیفه اخلاقی و دینی، بلکه ابزاری مؤثر برای پیشگیری از جرم و ناهنجاری اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ زیرا با اصلاح رفتار فردی و اجتماعی، زمینه ارتکاب بسیاری از جرائم کاهش می‌یابد و امنیت و نظم جامعه تضمین می‌شود.

۳-۴. سد ذرایع

یکی دیگر از اصول مهم فقهی که در پیشگیری از جرم کاربرد دارد، قاعده سد ذرایع است. برخی از مذاهب اسلامی این قاعده را به‌عنوان یک اصل کلی پذیرفته و در مسئله پیشگیری از جرم بدان تمسک کرده‌اند. بر اساس این قاعده، شارع مقدس با منع توسل به وسایل و ابزارهایی که ممکن است منتهی به ارتکاب جرم گردد، زمینه وقوع جرم را محدود می‌سازد. می‌توان گفت که تمامی دانشمندان اهل سنت، این اصل را قبول دارند.

در مورد معنای اصطلاحی «سد ذرایع» باید گفت که این ترکیب از دو واژه تشکیل شده است: «سد» به معنای «بستن» (معین، ۱۳۸۵) و «ذرایع» جمع «ذریعه» به معنای وسیله



یا سبب است (معین، ۱۳۸۵؛ دهخدا، ۱۳۲۷). همچنین «ذریعه» گاه به معنای مانع یا حائل نیز به کار رفته است.

قاعده سد ذرایع به این معناست که اگر عملی یا وسیله‌ای مقدمه‌ای برای ارتکاب گناه یا جرم باشد، شارع با منع آن وسیله، از وقوع جرم جلوگیری می‌کند. این اصل یکی از چهار پایه دین و از ابزارهای مهم پیشگیری از جرائم در اندیشه فقهی است و نقش اساسی در کنترل و کاهش رفتارهای حرام و بزهکارانه دارد.

۵. نقش نهادهای دینی در پیشگیر وضعی از جرم

دین مقدس اسلام برای پیشگیری وضعی روش‌های را پیشنهاد می‌کند که نهادهای دینی می‌تواند از آن طریق برای پیشگیری از جرائم اقدام که در ذیل به آن تکنیک‌ها پرداخته می‌شود. یکی از روش‌های مهم پیشگیری از جرم، کنترل و نظارت بر رفتار افراد است. در منابع دین مقدس اسلام، نظارت الهی به‌عنوان ابزاری مؤثر در پیشگیری از بزهکاری مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن کریم در سوره علق آمده است:

«أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؛ آیا نمی‌دانید که خداوند بر اعمال شما ناظر است؟» (علق:

۱۴). بر اساس این آیه، تمام اعمال انسان‌ها تحت کنترل و نظارت الهی قرار دارد.

همچنین در سوره غافر آمده است: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ خداوند راز چشم‌ها و آنچه در دل‌ها پنهان است را می‌داند» (غافر: ۱۹).

کنترل و نظارت الهی در اسلام به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. نظارت مستقیم، همان‌گونه که در سوره یونس بیان شده است، شامل «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنَ الْقُرْآنِ وَلَا تَعْلَمُوا مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذَا تَفِيضُوا فِيهِ» (یونس: ۶۱) است که بالاترین نوع نظارت را بر اعمال انسان نشان می‌دهد؛ زیرا خدای متعال شخصاً بر رفتار بندگان ناظر است. نظارت غیرمستقیم نیز از طریق واسطه‌ها انجام می‌شود. قرآن کریم ملائکه را به‌عنوان ناظر بر اعمال انسان معرفی می‌کند: «وَلَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (رعد: ۱۱). همچنین زمین نیز به‌عنوان شاهد و ناظر اعمال انسان‌ها معرفی شده است: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا قَالَ إِنَّنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (انفطار: ۱۱-۱۲).

بنابراین نظارت و کنترل، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، از مبانی مهم پیشگیری از جرم در اندیشه اسلامی به شمار می‌آید و با ایجاد حس مسؤولیت و مراقبت از اعمال، زمینه ارتکاب بزه و ناهنجاری را کاهش می‌دهد.

بعضی از جرائم مانند سرقت و امثال آن در سایه شرایط و احوال خاص محقق می‌گردد و هم چنان یک عمل جرمی، نیازمند به زمان و مکان خاص است، با از بین بردن این احوال و شرایط و مکان و زمان‌های خاص، می‌توان از ارتکاب جرم جلوگیری نمود. چنانکه امام علی^(ع) می‌فرماید: «ایاک و مقاعد الاسواق و محاضر الشیطان». (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۰: ۱، ۳۲۷) با توجه به این روایت می‌توان گفت که از طریق از بین بردن مکان، زمان، شرایط و احوال و ابزار جرم می‌توان، جلوگیری از ارتکاب جرم را گرفت.

۶. نقش مراکز دینی افغانستان در پیشگیری از جرم

پیشگیری دارای انواع و اقسامی است؛ گاهی اجتماعی است، گاهی فردی و گاهی وضعی. یکی از بحث‌های لازم بررسی نقش نهادهای دینی در پیشگیری فردی از جرم است.

۶-۱. ارشاد و آگاه‌سازی افراد

جرم گاهی به دست افرادی رخ می‌دهد که با علم و آگاهی از مجرمانه بودن عمل، مرتکب آن می‌شوند و گاه از سوی کسانی که به حکم قانون یا به ماهیت مجرمانه رفتار خود، جاهلند. روشن است که پیشگیری از هر یک، شیوه‌ای ویژه می‌طلبد.

در بسیاری از موارد می‌توان فرد ناآگاه را از طریق هدایت، آموزش و آگاه‌سازی، از ارتکاب جرم بازداشت. در اندیشه اسلامی، علم، معرفت و تفکر به عنوان پایه‌های اصلی سعادت و پیشرفت انسانی ستوده شده و در مقابل، جهل و نادانی - که ریشه بسیاری از انحرافات و جرائم است - نکوهش شده است. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نهادهای دینی، زدودن پرده جهل از ذهن افراد است که می‌تواند از راه‌های گوناگون همچون امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد جاهل یا آموزش‌های عمومی صورت پذیرد. چنان‌که قرآن کریم در بیانی لطیف می‌فرماید:

«أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ آیا آن‌که مرده‌ای بیش نبود و ما او را حیات



بخشیدیم و نوری به او عطا کردیم تا در میان مردم بدان روشنایی گام بردارد، همانند کسی است که در دل تاریکی‌ها فرو رفته و هرگز راه برون‌شد از آن نمی‌یابد! آری، چنین است که کردارهای ناپسند کافران در دیده‌شان آراسته و زیبا جلوه داده می‌شود» (انعام: ۱۲۲).

گاه انسان آگاه به حکم جرم، نه از روی جهل، بلکه بر اثر غفلت و بی‌توجهی، مرتکب عمل مجرمانه می‌شود؛ اما همین انسان، وقتی به یاد باورهای دینی و اعتقاد به جهان واپسین می‌افتد، از ارتکاب جرم باز می‌ایستد. قرآن کریم در وصف چنین روزی می‌فرماید: «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹). در روز قیامت، نامه اعمال انسان‌ها گشوده می‌شود و مجرمان با بیم و هراس درمی‌یابند که هیچ عمل کوچک و بزرگی از دید حساب الهی پنهان نمانده است. آنان با حسرت و اندوه فریاد برمی‌آورند که ای کاش فرصتی دوباره می‌یافتیم تا این گناهان را مرتکب نمی‌شدیم. بدیهی است که اعتقاد به چنین دادگاهی، خود عاملی بازدارنده است و مسلمانان، به‌ویژه مردم افغانستان که سخت به آموزه‌های دینی پایبندند، در پرتو همین ایمان، در صورت الثفات و آگاهی، از بسیاری لغزش‌ها و جرائم باز می‌مانند. از این‌رو، غفلت‌زدایی یکی از مؤثرترین شیوه‌های پیشگیری از جرم به شمار می‌آید.

۶-۲. تقویت توحید باوری

با توجه به شرایط جامعه اسلامی و روحیات مسلمانان، می‌توان دریافت که باورهای دینی نقشی عمیق و تعیین‌کننده در رفتار و منش آنان دارد. از این‌رو اعتقاد دینی در پیشگیری از جرم جایگاهی برجسته و اساسی می‌یابد. ایمان به وجود خداوند، باور به حضور دائمی او در همه جا و آگاهی از نظارت او بر اعمال و افکار انسان، از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از جرم به شمار می‌آید. یاد خدا و باور به اینکه همواره در محضر اویم، همچون نیرویی درونی عمل می‌کند که انسان را از لغزش‌ها و گناهان باز می‌دارد (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۲). چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم^(ص) آمده است: «مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند» (بخاری، ۱۳۸۸: ۱، ۱۶). همین‌گونه دیگر آموزه‌های اعتقادی، همچون ایمان به قیامت، باور به عالم قبر و یقین به حسابرسی دقیق

در روز رستاخیز، از مهم‌ترین اهرم‌های بازدارنده در پیشگیری از جرم است. این اعتقادات به‌ویژه در جامعه اسلامی افغانستان که باورهای دینی در تار و پود زندگی مردم ریشه‌ای عمیق دارد، نقشی چشمگیر در کاهش جرم و انحرافات ایفا می‌کند.

۲-۲. پابندی به فرائض الهی و اعمال بندگی

بی‌تردید برخی از فرائض الهی در اندیشه و رفتار مسلمانان تأثیر ویژه‌ای بر جای می‌گذارند و همین امر موجب تمایز مسلمان از غیرمسلمان می‌شود. از جمله این فرائض، نماز است که نقشی بنیادین در پیشگیری از جرم دارد. در روایتی آمده است که ابوبصیر پس از رحلت امام صادق^(ع) برای عرض تسلیت به خانه آن حضرت رفت. «امّ حمیده» مادر امام کاظم^(ع) با دیدن او اشک ریخت و سپس ماجرای شگفت را بازگو کرد: «در واپسین لحظات عمر امام، هنگامی که چشم‌های ایشان بسته و ما ناامید شده بودیم، ناگاه امام چشم گشود و فرمود: یارانم را گرد آورید. وقتی همگی حاضر شدند، حضرت فرمود: شفاعت ما هرگز به کسانی که نماز را سبک شمارند، نخواهد رسید» (کلینی، ۱۳۸۵، ۳: ۲۷۰). قرآن کریم در اهمیت نماز می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵).

دیگر فرائض همچون روزه و حج نیز نقش مؤثری در جلوگیری از جرائم دارند. درباره حج، قرآن کریم چنین می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره: ۱۲۶). این آیه نشانگر آن است که امنیت، به‌ویژه در سایه اعمال عبادی حج و قداست کعبه، جایگاهی محوری دارد. افزون بر این، حج از وقوع جرائم مالی نیز پیشگیری می‌کند؛ زیرا در تعالیم اسلامی، شرط پذیرش حج، هزینه کردن از مالی پاک و حلال است که از راه‌های غیر مجرمانه به دست آمده باشد. در همین راستا، زکات و خمس نیز از مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری از جرائم مالی محسوب می‌شوند؛ چراکه با توزیع عادلانه ثروت و پالایش اموال، ریشه بسیاری از انحرافات اقتصادی را می‌خشکانند.

از دیگر آموزه‌های دینی که نهادهای دینی می‌توانند از رهگذر آن به پیشگیری از جرم اقدام کنند، مسئله ازدواج است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل: ۸۰). این آیه نشان می‌دهد که ازدواج و تشکیل خانواده، زمینه‌ساز آرامش و امنیت روانی انسان است و همین آرامش، سدی در برابر بسیاری از لغزش‌ها و جرائم به شمار



می‌رود. لذا تصحیح فرهنگ ازدواج در آسان‌گیری یا حذف برخی مصارف و تشویق مردم به آسان‌گیری ازدواج، از مراکز دینی رقم خورد.

۷. نقش سیاست‌های اقتصادی اسلام در پیشگیری از جرم

در شریعت مقدس اسلام، نهادهایی پیش‌بینی شده‌اند که نه تنها سامان‌دهنده وضعیت اقتصادی جامعه‌اند، بلکه در پیشگیری از وقوع جرم نیز نقشی بنیادی ایفا می‌کنند. از جمله این نهادها، وقف، زکات، خمس و صدقات است که هر یک به‌گونه‌ای در سیاست اقتصادی اسلام جایگاهی ویژه دارند و از رهگذر مبارزه با فقر، زمینه‌های بسیاری از جرائم را از میان می‌برند. در روایتی از صحیح بخاری آمده است: «ابو عاصم از ابن عون، از نافع و او از ابن عمر نقل می‌کند که عمر (رض) مالی در خیبر یافت. نزد پیامبر (ص) آمد و ایشان فرمود: اگر می‌خواهی، آن را صدقه بده. پس عمر آن مال را در میان فقیران، نیازمندان، خویشاوندان و میهمانان صدقه داد» (بخاری، ۱۳۸۸، ۳: ۳۳۳). این روایت به‌روشنی بیانگر آن است که نهادهایی چون صدقه و وقف می‌توانند در کاهش فقر و در نتیجه، در جلوگیری از انحرافات اجتماعی و جرائم نقش داشته باشند.

از سوی دیگر، خمس و زکات، علاوه بر زدودن فقر، به تعدیل اختلافات طبقاتی نیز می‌انجامد و با حمایت از قشرهای محروم، آنان را از افتادن در دام رفتارهای ناشایست و جرائم باز می‌دارند؛ زیرا فقر، چنان نکوهیده است که می‌تواند سرچشمه بسیاری از جرائم بزرگ همچون جرائم مالی، قتل و... گردد. حضرت رسول اکرم (ص) نیز به این حقیقت اشاره کرده و فرموده‌اند: «کاد الفقر أن یکون کفراً؛ فقر انگار کفر به بار می‌آورد» (پاینده، ۱۳۷۰: ۶۰۳). بر این اساس می‌توان گفت که فقر خود از مهم‌ترین زمینه‌های بروز جرم است و نهادهای اقتصادی اسلام با زدودن آن، سدّی استوار در برابر جرائم اجتماعی برپا کرده و امنیت و سلامت جامعه را تضمین می‌کنند.

۸. نقش مراکز دینی افغانستان در پیشگیری اجتماعی از جرم

بررسی نقش مراکز و نهادهای دینی افغانستان در این نوع پیشگیری ضرورت می‌یابد. پیشگیری اجتماعی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که در راستای بازداشتن افراد از



ارتکاب جرم و تقویت جامعه‌پذیری آنان صورت می‌گیرد و کارکردی مستقیم در اصلاح رفتار اجتماعی دارد.

۸-۱. نقش آموزش و تربیت توسط نهادهای دینی

خانواده نخستین و مهم‌ترین کانون شکل‌گیری شخصیت کودک است و تأثیر عمیقی در رشد فکری و رفتاری او دارد. اگر در خانواده به تربیت صحیح کودک توجه نشود، ممکن است آینده‌ای ناخوشایند برای او رقم بخورد. هرچند عوامل مؤثر بر تربیت بسیارند؛ اما یکی از اساسی‌ترین آن‌ها محبت والدین است. کودکی که از مهر و عاطفه محروم بماند، در آینده در معرض جذب شدن به‌سوی افراد بزه‌کار و خطرناک قرار می‌گیرد و چه‌بسا خود به شخصیتی مجرم بدل شود. به همین دلیل، تربیت کودک نقشی تعیین‌کننده در پیشگیری از جرم دارد. چنان‌که برخی اندیشمندان بر این باورند: «کمبود محبت و ضعف عاطفی در خانواده، ریشه اصلی بسیاری از جرائم و انحرافات است» (نحوی، ۱۳۸۸: ۷۹).

همچنین تبعیض میان فرزندان نیز اثری ویرانگر بر روان آنان بر جای می‌گذارد و زمینه‌ساز احساس حقارت، حسادت و حتی گرایش به اعتیاد می‌شود (همان: ۸۰). افزون بر این، عواملی چون فقر اقتصادی، اختلافات والدین و بی‌توجهی به نیازهای کودک، می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت او نقشی منفی ایفا کنند و مسیر او را به‌سوی جرم هموار سازند.

از سوی دیگر، آموزش نیز جایگاهی مهم در پیشگیری از جرم دارد. پس از خانواده، کودک بیشترین زمان خود را در مراکز آموزشی و محیط‌های دینی می‌گذراند. بدین ترتیب، مربیان و آموزگاران - به‌ویژه در مدارس و مساجد - نقشی مستقیم در پرورش شخصیت کودک دارند. اگر آموزش‌های دینی و اخلاقی به‌درستی ارائه شود، می‌تواند همانند سپری محکم در برابر انحرافات و آسیب‌های اجتماعی عمل کند.

۸-۱-۱. روش‌های عمومی پیشگیری اجتماعی از جرم

برخی شیوه‌های پیشگیری تنها در یک طبقه خاص از جامعه کارآمد است؛ مانند آموزش و تربیت در دوران کودکی؛ اما گاه روش‌هایی وجود دارد که کارکردی عمومی داشته و برای همه اقشار جامعه اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، سالخوردگان، مردان و زنان قابل استفاده است. در این زمینه می‌توان به «فرهنگ‌سازی دینی» و نیز «تبلیغ و امر به



معروف و نهی از منکر» اشاره کرد؛ روش‌هایی که نهادها و مراکز دینی می‌توانند از طریق آن‌ها در مسیر پیشگیری از جرم اقدام نمایند. از آنجاکه رفتار و عملکرد هر قشر مستقیماً متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است، می‌توان اذعان داشت که فرهنگ نقشی تعیین‌کننده در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. چنانکه برخی پژوهشگران نیز تصریح کرده‌اند: «ضمن پذیرش نیازهای مادی و اقتصادی به‌عنوان یکی از نیازهای وجودی انسان، نقش فرهنگ را تعیین‌کننده و سایر امور را تابع آن می‌دانند» (حاجی تبار، ۱۳۹۸: ۵۰). بدین معنا که فرهنگ می‌تواند بنیان اصلی در کاهش انحرافات و رفتارهای مجرمانه باشد.

در کنار فرهنگ‌سازی، تبلیغ دینی نیز نقشی محوری در پیشگیری اجتماعی ایفا می‌کند. نهادهای دینی با بهره‌گیری از ابزار تبلیغ، نه تنها ارزش‌های الهی و اخلاقی را در جامعه تقویت می‌کنند، بلکه با ایجاد حساسیت نسبت به پیامدهای رفتارهای ناهنجار، زمینه کاهش جرم را فراهم می‌آورند. قرآن کریم نیز بر این رسالت تبلیغی تأکید دارد، آنجا که خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب: ۴۵-۴۶). همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴). این دو آیه نشان می‌دهند که تبلیغ، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، هم یک وظیفه دینی و هم ابزاری کارآمد در جهت کاهش بزهکاری و پیشگیری اجتماعی از جرم است.

۹. روش پیشگیری از تکرار جرائم توسط مراکز دینی

گاهی وقوع جرم، تنها یک بار اتفاق می‌افتد و دیگر تکرار نمی‌شود؛ اما در مواردی نیز یک مجرم به شکل مکرر مرتکب جرم می‌گردد. از این رو، بررسی نقش نهادهای دینی در پیشگیری از «تکرار جرم» اهمیت ویژه‌ای دارد. این پیشگیری را می‌توان در دو قالب اصلی، یعنی روش‌های اصلاحی و روش‌های غیراصلاحی مورد تحلیل قرار داد.

۹-۱. روش‌های اصلاحی مجرم

یکی از شیوه‌های مهم در کاهش تکرار جرم، اصلاح فرد بزهکار است. در بسیاری از موارد، مجرم پس از ارتکاب جرم و تجربه پیامدهای آن، به توبه روی آورده و تصمیم می‌گیرد که مسیر خود را تغییر دهد و دیگر مرتکب عمل مجرمانه نشود. در برخی دیگر، این اصلاح با



دخالت و بازپروری نهادهای دینی و تربیتی صورت می‌گیرد. این دورویکرد - یعنی اصلاح درونی از طریق توبه و اصلاح بیرونی از طریق برنامه‌های بازپروری - می‌توانند نقش اساسی در جلوگیری از تکرار جرائم ایفا نمایند. قرآن کریم نیز بر امکان بازگشت و اصلاح تأکید کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۱۵۹ - ۱۶۰). همچنین در آیه دیگری آمده است: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور: ۳۱). این آیات نشان‌دهنده جایگاه بنیادین توبه و اصلاح در پیشگیری از تکرار جرم است؛ زیرا توبه به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم اخلاقی و دینی در اسلام، نقش به‌سزایی در اصلاح فرد و پیشگیری از تکرار جرم ایفا می‌کند. در حقیقت، توبه فرایندی است که از طریق آن، بزهکار گذشته خطاهای خود را بازشناسی کرده، ندامت درونی را تجربه می‌کند و با تصمیمی جدی مسیر آینده خویش را تغییر می‌دهد. این تغییر نگرش هم مانع بازگشت به جرم می‌شود و هم فرد را در مسیر بازپروری اخلاقی و اجتماعی قرار می‌دهد.

۹-۲. روش‌های پیشگیری غیراصلاحی از تکرار جرم

در برخی موارد، مجرم هرچند از نظر فکری همچنان گرایش به ارتکاب جرم دارد؛ اما به دلیل وجود موانع بیرونی، از ارتکاب آن باز می‌ماند. نهادهای دینی می‌توانند در این زمینه نقش‌آفرینی کنند و با ایجاد موانع اجتماعی و اخلاقی، مانع تحقق نیت مجرمانه شوند. برای نمونه، قطع روابط اجتماعی با فرد بزهکار، مانند قطع صله‌رحم یا محدود کردن ارتباطات اجتماعی او، می‌تواند زمینه ارتکاب مجدد جرم را کاهش دهد. از سوی دیگر، ترس از شدت مجازات نیز یکی از عوامل بازدارنده به شمار می‌رود. در این راستا، می‌توان در خصوص مجرمان تکراری، علاوه بر مجازات اصلی، تدابیر تکمیلی همچون جریمه نقدی یا تشدید کیفر را در نظر گرفت. چنین اقداماتی میزان اشتیاق به ارتکاب جرم را کاهش داده و فرد را از بازگشت به رفتار مجرمانه باز می‌دارد.

نتیجه‌گیری

نهادهای دینی در جامعه افغانستان می‌توانند به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهکارها در پیشگیری از جرم ایفای نقش نمایند. اهمیت این نهادها از آن رو است که هم روشی کم‌هزینه محسوب می‌شوند و هم به دلیل جایگاه ویژه دین در ساختار اجتماعی و فرهنگی افغانستان، از تأثیرگذاری عمیقی در میان مردم برخوردارند. جامعه افغانستان به آموزه‌های دینی و نهادهای مذهبی اعتماد و اعتقاد راسخ دارد و همین امر ظرفیت بزرگی را برای بهره‌گیری از این نهادها در کاهش جرائم فراهم می‌سازد.

نهادهای دینی می‌توانند در ابعاد مختلف پیشگیری، اعم از اجتماعی، فردی و وضعی مؤثر واقع شوند. آموزه‌های بنیادین دین اسلام، همچون ایمان به خداوند، باور به قیامت و حسابرسی اعمال در روز جزا و اعتقاد به عالم قبر وبرزخ، نقشی بازدارنده در گرایش به جرم ایفا می‌کنند. همچنین انجام فرائض دینی مانند نماز، روزه، زکات و حج، به‌همراه ارزش‌های اخلاقی نظیر توکل، قناعت و صبر، می‌توانند زمینه‌های شکل‌گیری بسیاری از انحرافات و جرائم - اعم از جرائم مالی، امنیتی و جنسی - را کاهش دهند یا حتی از میان بردارند.

علاوه بر این، نهادهای دینی تنها در پیشگیری اولیه از جرم نقش ندارند، بلکه در جلوگیری از تکرار و تعدد جرائم نیز تأثیرگذارند. در اسلام، اصل معنوی توبه به‌عنوان راهی برای بازگشت و اصلاح فرد گناهکار معرفی شده است. مجرم از طریق توبه گذشته خود را بازنگری کرده و با تعهدی درونی، به ترک اعمال مجرمانه تصمیم می‌گیرد. به همین دلیل، توبه هم مانع بازگشت به جرم می‌شود و هم فرصت بازپروری و بازگشت سالم به جامعه را فراهم می‌سازد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نهادهای دینی در جامعه افغانستان از ظرفیتی گسترده برای پیشگیری از جرم و حتی جلوگیری از تکرار آن برخوردارند و بهره‌گیری نظام‌مند از این ظرفیت، می‌تواند به کاهش چشمگیر جرائم و ارتقای امنیت اجتماعی بینجامد.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۳۸۸)، صحیح بخاری، (ترجمه: عبدالعلی نوری احراری)، تربت جام: شیخ السلام احمد جام.
۲. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش.
۳. توسلی، حسن؛ صادقی، محمدمبین، (۱۳۹۴)، آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۳۲، ص ۴۳-۷۳.
۴. جهانی، محمدحسین؛ نوذری، محمد، (۱۴۰۰)، باز پژوهی تطبیق عنوان گناه بر عمل مجرمانه در حکومت دینی، نشریه فقه و اصول، دوره ۵۳، شماره پیاپی ۱۲۶، ص ۱۶۹-۱۷۱.
۵. حاجی تبار، حسن، (۱۳۹۸)، نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه پژوهش فقه و حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۶، ص ۴۷-۶۸.
۶. حاذق، مجید، (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرم، تعدد و تکرار آن در ابعاد فردی و اجتماعی، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی: حق گستر.
۷. حسنی بیرجندی، حسین، (۱۳۸۰)، غریب الحدیث فی بحار الانوار، تهران: وزارت الثقافة و الارشاد الاسلامی.
۸. درخشه، جلال؛ رحیمی کیا، علیرضا، (۱۳۸۹)، مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۱۳۱-۱۴۷.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۲۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. کد جزای افغانستان،
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۵)، اصول کافی، تهران: قائم آل محمد.
۱۲. محمدی، شهرام؛ بیژنی میرزا، طیه؛ حاتمی، مهدی، (۱۳۹۷)، نقش خانواده، مدرسه و



رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد، تدریس پژوهی، شماره ۱۴، ص ۲۲۷-۲۴۸.

۱۳. معین، محمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر سپهر.

۱۴. میلانی، علیرضا؛ علی‌محمدی، مرتضی، (۱۳۹۵)، پیشگیری اولیه از وقوع جرم و تخلفات و عوامل مؤثر بر آن بر اساس آموزه‌های قرآنی، بصیرت و تربیت اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۳۶، ص ۴۹-۶۸.

۱۵. نحوی، سید سیف‌الله، (۱۳۸۸)، نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.